

ملاکهای همسرگزینی از نظر دانشجویان مجرد دانشگاه شهید چمران اهواز

مهناز مهربابی زاده هنرمند، استاد گروه روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز
ایران داودی، مربی گروه روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

اینکه افراد چگونه همسر خود را انتخاب می‌کنند، از موضوعاتی است که توجه چندین رشته علمی، از جمله روانشناسی را به خود جلب کرده است. هدف از انجام این تحقیق شناسایی ملاکهای همسرگزینی از نظر دانشجویان مجرد دانشگاه شهید چمران اهواز بود. برای تحقق این هدف، از روش آماری تحلیل عوامل استفاده شد. نمونه پژوهش متشکل از ۶۶ دانشجوی دانشگاه شهید چمران اهواز (۲۳۲ آزمودنی مؤنث و ۲۳۴ آزمودنی مذکر) بود که به روش تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از یک مقیاس ۴۵ گویه‌ای محقق ساخته استفاده گردید. نتایج این تحقیق نشان داد که ملاکهای همسرگزینی از نظر دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز در سه عامل «ویژگیهای فردی»، «شباهتها» و «وضعیت اقتصادی-اجتماعی» دسته‌بندی می‌شود. بعلاوه از نظر ملاکهای همسرگزینی ($p < 0/001$)، سن مناسب ازدواج برای مردان ($p < 0/001$) و زنان ($p < 0/001$) و تعداد ترجیحی فرزندان ($p < 0/001$) بین دو جنس تفاوت معناداری وجود داشت.

واژه‌های کلیدی: ملاکهای همسرگزینی، دانشجویان مجرد، ازدواج

مقدمه

انسان در طول حیات خود پیوسته در حال انتخاب است و در هر انتخابی، خواه، ناخواه، هوشیار یا ناهوشیار ملاک‌هایی را مبنا قرار می‌دهد. تعدادی از این ملاکها مختص به فرد هستند و برخی مشترک میان تقریباً همه اعضای یک گروه، جنس یا نوع. ترجیحات یا ملاکهای مشترک انسانها برای انتخاب همسر^۱ مورد علاقه عموم مردم و همین‌طور بسیاری از رشته‌های علمی، از جمله جامعه‌شناسی، ژنتیک و زیست‌شناسی تکاملی است. اما همان‌طور که باس^۲ (۱۹۹۰) اشاره می‌کند، همسرگزینی اساساً پدیده‌ای روانشناختی است و رشته‌های مختلف روانشناسی این پدیده را از منظرهای مختلف مورد بررسی و تحقیق قرار می‌دهند.

به این سؤال که افراد چگونه همسر خود را انتخاب می‌کنند پاسخهای متفاوتی داده می‌شود. یک پاسخ مطرح می‌گوید که هیچ قانونی در این مورد وجود ندارد، انتخاب شریک زندگی همانند سایر تصمیمات خطیر زندگی فقط بر اساس تصادف صورت می‌گیرد، اما از میان مجموعه محدودی از افراد اساساً شبیه به خود فرد (لایکن^۳ و تیلیجن^۴، ۱۹۹۳). دسته‌ای دیگر همتا همسری^۵ یعنی شباهت میان همسران را مطرح می‌سازند (برای مثال بایرن^۶ ۱۹۷۱؛ ملامید^۷، ۱۹۹۴). فرد به هنگام انتخاب همسر در پی کسی است که به او شبیه باشد. برای مثال، تحقیق در یک نمونه غیربالینی (دابویس استادلمن^۸، فنتون^۹، فررو^{۱۰} پرزیج^{۱۱}، ۲۰۰۱) میان زوجین از نظر نشانه‌های اختلالات روانی و ویژگیهای شخصیتی شباهتهایی مشاهده نمود. مطالعات متعدد دیگری نیز نشان داده‌اند که زوجها بیش از آنچه به صورت تصادفی انتظار می‌رود، از نظر جسمانی و روانشناختی شبیه هستند (برای مثال باس و بارنز^{۱۲}، ۱۹۸۶).

1. mate selection preferences

2. Buss

3. Lykken

4. Tellegen

5. assortative mating

6. Byrne

7. Melamed

8. Dubuis-Stadelmann

9. Fenton

10. Ferero

11. Preisig

12. Barnes

گلیکسوهن^۱ و گلان^۲ (۲۰۰۱) در سه بعد هیجان‌طلبی^۳؛ یعنی تجربه جویی^۴، عدم‌بازداری^۵ و کسالت‌پذیری^۶ به شباهت قابل ملاحظه‌ای میان همسران دست یافتند. پیشنهاد سوم، ایده تکمیل‌کنندگی^۷ است. «فرضیه مکمل بودن اولین بار توسط وینچ^۸ (۱۹۵۸) مطرح شد. وی اظهار داشت که افراد مایلند همسری را برگزینند که نیازهای آنها را برآورده سازد و تمایلاتشان را تکمیل نماید. شاید اشخاص برونگرا و درونگرا، سلطه‌پذیر و سلطه‌گرا، وابسته و مراقبت‌کننده به این دلیل جذب یکدیگر می‌شوند که نیازهای مکمل خود را ارضا کنند» (فرگاس^۹، ص، ۸۲، ترجمه بیگی و فیروزبخت، ۱۳۷۳).

روانشناسان اجتماعی همسرگزینی را از دیدگاه جذابیت بین فردی بررسی می‌کنند. این گروه از روانشناسان برای تبیین عوامل مؤثر بر جذابیت‌های بین فردی دیدگاه‌های نظری مختلفی را ارائه داده‌اند که در این بخش به تعدادی از مطرح‌ترین دیدگاه‌ها اشاره خواهیم داشت:

۱- **نظریه تبادلی اجتماعی**^{۱۰}: نظریه تبادلی اجتماعی فرض می‌کند که انسانها در روابط با یکدیگر در پی دریافت «سود» هستند و مایلند رفتارشان از جمله روابط دوستانه، صمیمی و عاشقانه آنان به نوعی سود و بازده برابر منجر شود (برای مثال کلی^{۱۱}، ۱۹۷۹). طبق این نظریه «تبادل عادلانه» ممکن است بر انتخاب همسر اثر بگذارد. در این صورت یک مرد جوان ممکن است با زن مسن و پولدار یا زنی جوان با مردی مسن و مشهور ازدواج نمایند و از این ازدواج راضی باشند، چرا که مبادله‌ای سودمند برای هر دو طرف روی داده است. البته، عادلانه بودن بر ادراکات ذهنی خود فرد استوار است، به همین دلیل ممکن است برخی افراد از ارتباطی که با یکدیگر دارند، راضی باشند؛ هرچند ناظر خارجی این ارتباط را عادلانه نداند.

1. Glicksohn
2. Golan
3. sensation seeking
4. experience seeking
5. disinhibition
6. boredom susceptibility
7. complementarity
8. Winch
9. Forgas
10. social exchange theory
11. Kelley

۲- **نظریه توازن**^۱: نظریه توازن ابراز می‌دارد که انسان در پی حفظ هماهنگی در تفکر و ارتباطات اجتماعی خود است و در صورتی که در این امور ناهماهنگی ایجاد شود، بشدت ناراحت شده، می‌کوشد تا با تغییر برخی از ابعاد موقعیت به تعادل دست یابد (هایدر^۲، ۱۹۵۸). برای مثال دوستی با کسی که مورد علاقه خانواده نیست، ارتباط فرد با خانواده را نامتوازن می‌سازد و او برای متوازن ساختن روابط می‌کوشد نظر خانواده را در مورد فرد مورد علاقه خود تغییر دهد یا در صورت عدم موفقیت، علاقه خود را به فرد مورد نظر از دست می‌دهد و به این ترتیب توازن را برقرار می‌سازد (به نقل از مقدم، ۱۹۹۸).

۳- **نظریه برابری**^۳: فرض آغازین نظریه برابری اجتماعی این است که انسانها به دنبال رعایت انصاف در ارتباطات خود هستند و اگر ارتباط را منصفانه ندانند، بشدت احساس ناراحتی می‌کنند. فردی که کمتر از آنچه سرمایه‌گذاری کرده سود دریافت می‌کند و فردی که بیش از آنچه که سرمایه‌گذاری کرده، سود دریافت می‌کند، هر دو رابطه را ناراحت‌کننده می‌یابند. فرض دوم این است که افراد ارتباط منصفانه را به صورت ذهنی و به عنوان نسبت سرمایه‌گذاری^۴ و بازده^۵ تعریف می‌کنند. هر چند نظریه برابری دنباله‌روی نظریه سنتی تبادل اجتماعی است، اما نظریه برابری اجتماعی یک نظریه روانشناختی است، زیرا برخلاف نظریه تبادل اجتماعی که انسانها را دلالتی خودخواه در یک مرکز دادوستد اقتصادی قلمداد می‌کند، نظریه برابری به طور اخص بر آن دسته ادراکات ذهنی فرد تأکید دارد که مبادله را منصفانه می‌سازند (مقدم، ۱۹۹۸).

تبیینات زیست‌جامعه‌شناسی^۶. زیست‌جامعه‌شناسی که مبانی زیست‌شناختی رفتار را بررسی می‌کند، برای تبیین ارتباطات صمیمانه از نظریه تکاملی^۷ استفاده می‌کند (برای مثال باس، ۱۹۹۴). این دیدگاه رفتار اجتماعی را در چارچوب تاریخچه طولانی تکاملی نوع بشر بررسی می‌نماید. از این دیدگاه، انسان خودخواهانه می‌کوشد تا احتمال پخش ژنهای خود را به حداکثر برساند، اما ویژگیهای فیزیولوژیایی متفاوت زنان و مردان باعث می‌شود که راهکارهای متفاوتی برای تولید

1. balance theory
2. Heider
3. equity theory
4. investment
5. Feingold
6. Kenrick
7. Keefe

مثل و پخش ژنهای خود داشته باشد. برای مثال، زنان کمتر از مردان می‌توانند صاحب فرزند شوند، زیرا زنان حداکثر طی یک دوره ۲۵ ساله توانایی بچه‌دار شدن دارند و هر آبستنی نیز ۹ ماه طول می‌کشد، اما مردان طی دوره‌ای از بلوغ تا مرگ به لحاظ نظری می‌توانند هزاران فرزند داشته باشند. به نظر می‌رسد که به خاطر وجود این تفاوتها زنان باید انتخابی تر عمل کنند و با گزینش همسری که می‌تواند امکانات مورد نیاز برای بقای فرزندان را تأمین کند، سرمایه‌گذاری^۱ خود را به حداکثر برسانند. از سوی دیگر، مردان می‌توانند با انتخاب همسری که از سلامت و جوانی مورد نیاز برای تولید مثل برخوردار است، سرمایه‌گذاری خود را به حداکثر برسانند. با این وصف، مردان برای جذابیت جسمانی و زنان برای امکانات اهمیت بیشتری قایل می‌شوند (مقدم، ۱۹۹۸). تحقیقات بسیاری این پیش‌بینی‌ها را تأیید کرده است. برای مثال فینگلد^۲ (۱۹۹۲) با فراتحلیل تحقیقات انجام شده در مورد همسرگزینی به این نتیجه رسید که زنان در مقایسه با مردان اهمیت بیشتری برای وضعیت اقتصادی - اجتماعی، جاه‌طلبی، منش و هوش قایل هستند و عمده‌ترین تفاوت‌های جنسیتی (میان زنان و مردان) در نشانه‌های کسب امکانات؛ یعنی وضعیت اقتصادی - اجتماعی و جاه‌طلبی مشاهده شده است، در حالی که در ویژگی‌های نامرتبط به بقای فرزندان مثل شوخ‌طبعی و شخصیت تفاوت جنسیتی مشاهده نگردید.

همان‌طور که اشاره شد، طبق مدل تکاملی مردان به نشانه‌های جوانی در همسر توجه بیشتری دارند، زیرا جوانی نشان دهنده امکان باروری است. در مقابل، زنان به طور کلی، مردان تا حدی مسن‌تر را ترجیح می‌دهند؛ یعنی مردانی که به لحاظ مالی در وضعیتی هستند که قادرند امکانات مادی را فراهم سازند و سالهای متمادی نیز این‌گونه خواهند بود. چندین مطالعه این نتیجه‌گیری را تأیید نموده است (برای مثال ریک^۳، کیف^۴، برایان^۵، بار^۶ و براون^۷، ۱۹۹۵؛ وایدمن^۸، ۱۹۹۳ و وحق دوست و همکاران، ۱۳۷۴).

1. investment
2. Feingole
3. Kenrick
4. Keefe
5. Brvan
6. Barr
7. Brown
8. Wiederman

پژوهشی دیگر (بانک^۱، دیجکسترا^۲، کنریک و وارنتیجز^۳، ۲۰۰۱) دریافت که زنان صرف نظر از سن و سطح ارتباط، مردان تقریباً همسن خود را ترجیح می‌دهند و مردان صرف نظر از سن، برای همسرگزینی کوتاه‌مدت^۴ و تمایلات جنسی، زنانی را ترجیح می‌دهند که در سنین تولید مثل قرار دارند و در نتیجه ممکن است از آنان بزرگتر هم‌باشند، اما در مورد همسرگزینی طولانی‌مدت^۵ هر چند هنوز هم به زنان جوانتر از خود تمایل دارند، اما گاهی زنانی را ترجیح می‌دهند که بالاتر از حداکثر سن باروری قرار دارند.

بایز^۶ و شرودر^۷ (۱۹۹۵) در بررسی ملاکهای انتخاب همسر از طریق آگهی‌های ازدواج پی بردند که سن با تعداد پاسخ داده شده به درخواست زنان رابطه منفی و با تعداد پاسخ به مردان رابطه مثبت داشت. یافته‌های بایز و شرودر (۱۹۹۵) همچنین نشان داد که درآمد و سطح تحصیلی مرد با تعداد پاسخهای دریافتی به آگهی ازدواج وی رابطه مثبت داشت. توصیف ویژگیهای شخصیتی که در آگهی آمده بود، با تعداد پاسخ به مردان مرتبط بود، اما با پاسخ به زنان رابطه‌ای نداشت. نتایج این تحقیق نشان داد که جذابیت زنان به طور معناداری به پاسخ بیشتر به آنان منجر شد.

تحقیق باس و همکارانش (۱۹۹۰) که برای بررسی اثرات فرهنگ و جنسیت بر ملاکهای همسرگزینی در ۳۷ فرهنگ مختلف اجرا شد، نشان داد که با وجود پراکندگیهای منحصر به فرد فرهنگی^۸ مربوط به هر نمونه، اشتراکات عمده‌ای میان تمامی نمونه‌ها وجود داشت، اما در عین حال حال هر فرهنگ در ملاکهای همسرگزینی ترتیب خاص خود را داشت. تقریباً تمامی نمونه‌ها کشش و عشق دوطرفه را در رأس ویژگیهای دیگر قرار دادند و ارزش فوق‌العاده‌ای برای ویژگیهای قابلیت اتکا^۹، ثبات هیجانی^{۱۰}، مهربانی - درک‌کنندگی^{۱۱} و هوش قایل بودند. کمترین

-
1. Buunk
 2. Dijkstra
 3. Warntijes
 4. Short- term mating
 5. Long – term mating
 6. Baize
 7. Schroeder
 8. Unique cultural variability
 9. dependability
 10. emotional stability
 11. Kindness-understanding

ارزش به پاکدامنی و زمینه مذهبی و سیاسی مشابه داده شد؛ هر چند زنان به شباهت مذهبی و مردان به پاکدامنی بیشتر اهمیت داده بودند.

به طور کلی اثرات جنسیت بر ملاکهای همسرگزینی در مقایسه با اثر فرهنگ کمتر بود. با وجود تفاوت‌های جنسیتی، زنان و مردان در همه نمونه‌ها شباهت بسیار زیادی در ترتیب ملاکهای ترجیحی خود داشتند. با وجود این مردان بیش از زنان، همسرانی را ترجیح می‌دادند که از لحاظ جسمانی جذاب باشند و زنان بیشتر به مردانی گرایش داشتند که جاه‌طلبی - سخت‌کوشی و سایر نشانه‌های دال بر آینده مالی خوب را دارا بودند. مردان بیش از زنان برای دست‌پخت خوب و خانه‌داری ارزش قایل بودند و زنان کمتر از مردان به زمینه‌های آموزشی، ثبات هیجانی و پختگی، وضعیت اجتماعی، هوش و تحصیلات دانشگاهی بها داده بودند. به طور کلی، اثرات فرهنگ بیشتر در ارزشهای سنتی مثل عفت و پاکدامنی، دست‌پخت و خانه‌داری خوب، میل به خانه و بچه و برخی متغیرهای شخصیتی آشکار بود و اثرات جنسیت بیشتر روی امکان درآمد خوب، ظاهر جسمانی و مهارت‌های خانه‌داری بود.

نمونه ایرانی حاضر در تحقیق باس و همکارانش (۱۹۹۰) در مقایسه با سایر نمونه‌های خاورمیانه کمترین اشتراک را با میانگین‌های بین‌المللی داشت. این نمونه با ارزش بالایی که برای پاکدامنی، سلامت، اصالت خانوادگی، مذهب، ظرافت و آراستگی، جاه‌طلبی و زمینه سیاسی مشابه قایل شد، با نمونه‌های دیگر تفاوت چشمگیری نشان داد. نمونه ایرانی همچنین به طور معناداری تأکید کمتری بر قابلیت اعتماد، شخصیت مهیج، آسان‌گیری، هوش و کشش - عشق دوطرفه داشت.

محققان ایرانی نیز به موضوع ملاکهای انتخاب همسر علاقه‌مند بوده و تحقیقات پرسشنامه‌ای متعددی در این مورد انجام داده‌اند. برای مثال، در تحقیق فیاض زاده (۱۳۷۴) ۵۴/۵ درصد از جوانان در شرف ازدواج اصفهانی برابر بودن میزان تحصیلات، ۹۰/۱ درصد خوش اخلاقی، ۶۵/۶ درصد تناسب سنی، ۳۵/۵ درصد زیبایی، ۹۶/۷ درصد سلامت روانی، ۹۵ درصد سلامت جسمانی، ۶۶/۱ درصد شباهت مذهبی، ۴۰/۵ درصد برابر بودن وضع اقتصادی، ۵۲/۱ درصد ازدواج با افراد فامیل و ۷۹/۳ درصد عشق و علاقه را جز ملاکهای خود برای انتخاب همسر قلمداد نمودند.

حق دوست و همکارانش (۱۳۷۴) نگرش ۳۰۰ تن از دانشجویان علوم پزشکی کشور را نسبت به عوامل مؤثر در ازدواج مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که از نظر سن

پیشنهادی ازدواج بین زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد. اصالت خانوادگی مهمترین معیار انتخاب همسر در مردان و تفاهم اخلاقی مهمترین معیار انتخاب همسر در زنان است.

مقدس جعفری و مجیدی (۱۳۷۷) در بررسی نگرش و مشکلات دانشجویان در مورد ازدواج در دانشگاه شهیدباهنر کرمان به این نتیجه رسیدند که ۷۲/۳ درصد از دانشجویان مورد مطالعه مهمترین ملاک ازدواج با دانشجو را بالابودن سطح سواد و درک و فهم می‌دانند، حال آن که ملاکهای وجهه اجتماعی و میزان درآمد و حقوق به ترتیب ۲۲/۴ و ۵/۳ درصد بود. ۵۶ درصد از دانشجویان مورد پژوهش خصوصیات اخلاقی را مهم دانسته‌اند، در حالی که ۵/۳ درصد آنها وضعیت ظاهری و ۴ درصد نیز خصوصیات جسمانی را اولویت داده‌اند. ۵/۲ درصد از دانشجویان که خصوصیات اخلاقی را مهمترین ملاک انتخاب همسر قلمداد کرده‌اند، خصوصیات جسمانی را به عنوان آخرین ملاک و ۳۶/۲ درصد از آنها وضعیت ظاهری را کم‌اهمیت‌ترین ملاک محسوب نموده‌اند. ۷۴/۷ درصد از دانشجویان ملاکهای دیگر را بر ملاک همشهری بودن ترجیح داده‌اند. در این میان درصد پسران بیشتر از دختران بوده است. ۵۸ درصد از پسران مجرد دانشجو خواستار همسرانی دارای مشاغل متناسب با مشاغل خویش بودند، در حالی که این رقم در بین دختران مجرد به ۹۴ درصد افزایش یافت. ۹۲ درصد دانشجویان مجرد پسر و ۹۰ درصد دانشجویان مجرد دختر ترجیح می‌دادند که سطح زندگی خانواده همسرشان همسطح زندگی خانواده خودشان باشد.

هدف از انجام پژوهش حاضر یافتن پاسخی برای سؤالات زیر بود:

- ۱- ملاکهای همسرگزینی از نظر دانشجویان مجرد دانشگاه شهید چمران کدامند؟
- ۲- آیا بین ملاکهای همسرگزینی و سن دانشجویان رابطه‌ای وجود دارد؟
- ۳- آیا بین دو جنس از نظر ملاکهای همسرگزینی تفاوت وجود دارد؟
- ۴- آیا بین دو جنس از نظر سن مناسب ازدواج برای زنان و مردان و حداقل و حداکثر تفاوت سنی زوجین، تفاوتی وجود دارد؟
- ۵- آیا بین دو جنس از نظر تعداد ترجیحی فرزندان تفاوتی وجود دارد؟

روش

نمونه پژوهش: در این تحقیق ۵۰۰ دانشجوی دانشگاه شهید چمران اهواز به روش تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب و مورد آزمون قرار گرفتند، اما با توجه به حذف پاسخنامه افراد متأهل و پاسخنامه‌های ناقص، پاسخنامه‌های ۴۶۶ نفر متأهل (۲۳۲ دختر و ۲۳۴ پسر) مورد تحلیل قرار گرفت. شایسته توضیح است که برای نمونه‌گیری ابتدا ۲۰ کلاس از میان کلیه کلاسهای گروه معارف در سطح دانشگاه به صورت تصادفی انتخاب و سپس نیمی از افراد هر کلاس نیز انتخاب شدند و پرسشنامه بین آنها توزیع گردید. میانگین (وانحراف معیار) سن آزمودنیها به ترتیب برای کل نمونه ۲۲/۲ (۳/۷۱)، دانشجویان دختر ۲۱/۰۷ (۲/۰۷) و دانشجویان پسر ۲۳/۳۴ (۴/۵۶) و حداقل و حداکثر سن آزمودنیها به ترتیب ۱۷ و ۴۷ سال بود (جدول ۱).

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر سن آزمودنیها

شاخصهای آماری نمونه	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
مؤنث	۲۱/۰۷	۲/۰۷	۱۷	۳۶
مذکر	۲۳/۳۴	۴/۵۶	۱۹	۴۷
کل	۲۲/۲۰	۳/۷۱	۱۷	۴۷

ابزار پژوهش: ابزار اصلی این پژوهش، پرسشنامه‌ای بود که توسط محققان تهیه گردید برای تهیه ماده‌های این پرسشنامه که ملاکهای همسرگزینی را دربرداشت، دو اقدام به موازات یکدیگر صورت گرفت:

۱- بررسی متون تحقیقی مربوط به ملاکهای همسرگزینی؛ ۲- نظرخواهی از دانشجویان. برای جمع‌آوری نظرات دانشجویان در مورد ملاکهای همسرگزینی. فرمی تهیه و از دانشجویان خواسته شد که حداقل ده معیار مهم خود را برای انتخاب همسر فهرست نمایند. این فرم توسط ۵۰ دانشجوی دختر و پسر تکمیل گردید و اطلاعات حاصل از آن پیاده و دسته‌بندی شد. با توجه به این اطلاعات و داده‌های تحقیقات دیگری که قبلاً صورت گرفته بود، محققان ملاکهای همسرگزینی را در هفت دسته قرار دادند که عبارتند از: ۱- نگرشها و ویژگیهای شخصی؛

۲- شباهتها؛ ۳- مهارت‌های همسر‌داری؛ ۴- کشش و علاقه مشترک؛ ۵- جذابیت و سلامت جسمانی؛ ۶- ویژگی‌های خانوادگی؛ و ۷- موقعیت اقتصادی، اجتماعی و تحصیلی.

بسیاری از دانشجویان پاسخ دهنده به این فرم و همچنین پاسخ دهندگان در تحقیقات دیگر بر یک ویژگی تأکید می‌نمودند که معمولاً با عباراتی مانند «داشتن اخلاق خوب»، «تفاهم اخلاقی»، «بلوغ روانی»، «شخصیت خوب» و غیره توصیف می‌گردد. از آنجا که این ویژگی با عباراتی بسیار کلی و عام بیان می‌شود، محققان تصمیم گرفتند که در این پژوهش مسأله فوق را به شکل مشخص‌تر و عینی‌تری ارزیابی نمایند. لذا از پرسشنامه فهرست صفات (گاف^۱ و هیل‌برن^۲، ۱۹۵۳) (۱۹۵۳) فرم فارسی (مهرابی‌زاده‌هنرمند، ۱۳۷۵) به این منظور استفاده گردید.

۱۰۳ صفت انتخابی از پرسشنامه مذکور به صورت مقیاسی آماده و از ۳۰ دانشجو (۱۵ دختر و ۱۵ پسر) خواسته شد که طبق دستورالعمل، صفات را از جهت اهمیت آن در انتخاب همسر روی یک مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای (از بی‌اهمیت تا فوق‌العاده مهم) درجه بندی نمایند. پس از محاسبه میانگین هر ماده، از میان آنها ۱۴ صفت با میانگینهای ۳/۵ به بالا جدا شدند (در دو مرحله) و با اضافه کردن چند ماده دیگر در مورد مسایل مذهبی، اخلاقی و علائق، ماده‌های مربوط به دسته «نگرشها و ویژگی‌های شخصی» را شکل دادند. ماده‌های اخیر از بررسی متون تحقیق و نظرات دانشجویان به دست آمده بود.

در دسته «شباهتها»، شباهت طرفین از جهت اموری، مانند: علاقه، دین و مذهب، تناسب جسمانی، محل زندگی، سن، سطح فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود و خانواده‌ها در نظر گرفته شد. در دسته «مهارت‌های همسر‌داری» ماده‌هایی برای مسائلی مانند اهمیت به نظرات و حقوق طرف مقابل، احترام به خانواده‌ها، درک مشکلات دیگری و توانایی بخشش خطای همسر و در عین حال توانایی اعتراف به خطا و عذرخواهی، علاقه به داشتن فرزند، اهل مشورت بودن در امور خانوادگی و توانایی قدردانی و تشکر از همسر قرار داده شد.

سپس ملاک‌های فوق به صورت پرسشنامه‌ای تنظیم و در اختیار ۱۰ نفر از دانشجویان و ۵ نفر از همکاران روانشناس قرار گرفت و پس از جمع‌آوری و اعمال نظرات آنان در نهایت یک

1. Gough
2. Heilburn

پرسشنامه ۴۵ ماده‌ای به دست آمد که «مقیاس مقدماتی ملاکهای همسرگزینی» نام گرفت و در یک نمونه ۵۰۰ نفری از دانشجویان دانشگاه شهید چمران اجرا گردید.

نتایج

برای شناسایی ملاکهای همسرگزینی از دیدگاه دانشجویان مجرد در دانشگاه شهید چمران اهواز پرسشنامه ۴۵ گویه‌ای ساخته شده با استفاده از چرخش متعامد (از نوع واریماکس) مورد تحلیل عوامل قرار گرفت. کلیه مراحل روش تحلیل عوامل اعم از آزمون KMO، آزمون کرویت بارتلت و آزمون اسکری انجام گرفت، و در نهایت سه عامل، به نامهای عامل ویژگیهای فردی با ۱۶ گویه عامل شباهتها با ۱۰ گویه و عامل وضعیت اقتصادی - اجتماعی با ۵ گویه شناسایی شد. بررسی گویه های مختلف نشان می دهد که ۱۴ گویه از کل گویه های مقیاس مقدماتی روی هیچ یک از عوامل قرار نگرفت. جدول ۲ گویه های هر یک از عوامل سه گانه را نشان می دهد.

جدول ۲: عوامل سه گانه مقیاس ملاکهای همسرگزینی

عامل اول: ویژگیهای فردی	عامل دوم: شباهتها	عامل سوم: وضعیت اقتصادی اجتماعی
۱. قدردان بودن	۱. همسطح بودن دو خانواده از لحاظ اعتقادات مذهبی	۱. وضع مالی خوب خانواده اش
۲. اهمیت قابل شدن برای نظرات من	۲. هم مذهب بودن	۲. بالای بودن سطح تحصیلات خانواده اش
۳. احترام به حقوق من	۳. تقید به باورهای مذهبی ایمان داشتن	۳. داشتن درآمد خوب
۴. قدرت درک مشکلات من	۴. هم دین بودن	۴. کم بودن تعداد خواهران و برادرانش
۵. توانایی بخشش خطاهای دیگران	۵. محجوب بودن	۵. داشتن استقلال مالی
۶. با وجدان بودن	۶. صرفه جو بودن	
۷. توانایی اعتراف به خطا و عذرخواهی	۷. عفت و پابندی به اصول اخلاقی	
۸. داشتن اعتماد به نفس	۸. همسایه یا همشهری بودن	
۹. فکور بودن	۹. همسطح بودن دو خانواده از لحاظ فرهنگی	
۱۰. توانایی کنار آمدن با مشکلات	۱۰. توافق خانواده ام با این ازدواج	
۱۱. قابل اعتماد بودن		
۱۲. خرافی نبودن		
۱۳. وفادار بودن		
۱۴. احترام به خانواده من		
۱۵. اهل شور و مشورت بودن		
۱۶. عشق و علاقه دوجانبه		

بنابراین، مطابق یافته‌های تحقیق حاضر ملاکهای مورد نظر دانشجویان مجرد برای انتخاب همسر را می‌توان در سه دسته «ویژگیهای فردی»، «شباهتها» و «وضعیت اقتصادی» اجتماعی قرار داد. اطلاعات توصیفی آزمودنیها در مقیاس ملاکهای همسرگزینی در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳: میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره‌های

آزمودنیها در مقیاس ملاکهای همسرگزینی

آزمودنیهای مذکر				آزمودنیهای مؤنث				کل آزمودنیها				آزمودنیها
حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	شاخصهای آماری
												مقیاس
۴۸	۹	۵/۷۶	۳۹/۸۰	۴۸	۲۵	۴/۶۸	۴۳/۱	۴۸	۹	۵/۵	۴۱/۴۱	عامل اول
۲۹	۹	۴/۲۸	۶۶/۲۲	۳۰	۶	۳/۷۵	۲۳/۸۴	۳۰	۶	۴/۰۶	۲۳/۲۶	عامل دوم
۱۵	۰	۳/۲۵	۴/۸۲	۱۵	۰	۲/۷۲	۷/۰۲	۱۵	۰	۳/۱۹	۵/۹۱	عامل سوم
۷۵	۲۷	۹/۵۲	۶۷/۱۵	۸۸	۴۳	۸/۰۲	۷۳/۹۶	۸۸	۲۷	۹/۴۴	۷۰/۵	کل مقیاس

همان طور که جدول ۳ نشان می‌دهد، میانگین کل مقیاس ۷۰/۵ و انحراف معیار آن ۹/۴۴ است. در نمونه آزمودنیهای مؤنث میانگین کل مقیاس ۷۳/۹۶ با انحراف معیار ۸/۰۲ و در آزمودنیهای مذکر ۶۷/۱۵ است.

نتایج حاصل از رابطه سن با مقیاس ملاکهای همسرگزینی در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴: ضرایب همبستگی سن آزمودنیها با مقیاس ملاکهای همسرگزینی و عوامل سه گانه آن

کل	مذکر	مؤنث	آزمودنیها
			مقیاس
-۰/۲۱ ($P < ۰/۰۰۱$)	-۰/۱۷ ($P = ۰/۰۰۵$)	-۰/۰۲ ($P = ۰/۳۵۷$)	عامل اول
-۰/۰۲ ($P = ۰/۵۸۴$)	-۰/۰۲۲ ($P = ۰/۳۷۲$)	۰/۰۴ ($P = ۰/۲۵۹$)	عامل دوم
-۰/۰۸ ($P = ۰/۰۸۵$)	-۰/۰۶ ($P = ۰/۱۹۲$)	-۰/۲۵ ($P = ۰/۳۶۱$)	عامل سوم
-۰/۱۶ ($P < ۰/۰۰۱$)	-۰/۰۷ ($P = ۰/۱۲۸$)	-۰/۰۰۲ ($P = ۰/۴۸۸$)	کل مقیاس

همان طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، بین سن و نمرهٔ آزمودنیها در کل مقیاس ($P < 0/001$) و عامل اول ($r = -0/16$ و $P = 0/001$) همبستگی منفی معنا داری وجود دارد. در حالی که ضرایب همبستگی با عامل دوم و سوم معنا دار نیستند. با توجه به این نتایج در پاسخ به سؤال ۲ می‌توان بیان داشت که تنها کل مقیاس ملاکهای همسرگزینی و عامل ویژگیهای فردی با سن رابطه دارد و عامل شباهتها و وضعیت اقتصادی - اجتماعی با سن رابطه‌ای ندارد. نتایج حاصل از بررسی این سؤال که: «آیا بین دو جنس از نظر ملاکهای همسرگزینی تفاوتی وجود دارد یا خیر؟» در جدول ۵ ارائه شده است:

جدول ۵: خلاصه نتایج آزمون t برای مقایسه میانگین آزمودنیهای

مؤنث و مذکر در مقیاس ملاکهای همسرگزینی

متغیر وابسته	متغیر مستقل (گروهها)	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t	P
عامل اول	مؤنث	۴۳/۱	۴/۶۸۴	۴۵۲	۶/۶۷	<0/001
	مذکر	۳۹/۸۰	۵/۷۵۹			
عامل دوم	مؤنث	۲۳/۸۴	۳/۷۴	۴۵۲	۳/۱۴	0/002
	مذکر	۲۲/۶۵	۴/۲۸			
عامل سوم	مؤنث	۷/۰۲	۲/۷۱	۴۶۳	۷/۹۱	0/001
	مذکر	۴/۸۲	۳/۲۵			
کل مقیاس	مؤنث	۷۳/۹۶	۸/۰۲	۴۳۶	۸/۰۸	0/001
	مذکر	۶۷/۱۴	۹/۵۲			

همان طور که در جدول ۵ مشاهده می‌گردد، تفاوت بین میانگین نمرات آزمودنیهای مذکر و مؤنث در کل مقیاس ($P < 0/001$ و $t = 8/08$)، عامل اول ($P < 0/001$ و $t = 6/67$)، عامل دوم ($p = 0/002$ و $t = 3/14$)، و عامل سوم ($P = 0/001$ و $t = 7/91$)، معنادار است. از این داده‌ها نتیجه گرفته می‌شود که بین دو جنس از نظر ملاکهای همسرگزینی تفاوت وجود دارد. داده‌های جدول

۵ نشان می‌دهد که میانگین آزمودنیهای مؤنث در کل مقیاس و سه عامل آن از میانگین آزمودنیهای مذکر بیشتر است.

نتایج حاصل از بررسی این سؤال که آیا بین دو جنس از نظر سن مناسب ازدواج برای زنان و مردان و حداقل و حداکثر تفاوت سنی زوجین تفاوتی وجود دارد، در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶: خلاصه نتایج آزمون t برای مقایسه آزمودنیهای مؤنث و مذکر در متغیرهای سن مناسب ازدواج و حداقل و حداکثر تفاوت سنی زوجین

p	t	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	متغیر مستقل (گروهها)	متغیر وابسته
۰/۰۰۱	۷/۲۰	۴۶۴	۲/۳۳ ۲/۹۷	۲۷/۱۷ ۲۵/۳۸	مؤنث مذکر	سن مناسب ازدواج برای مردان
۰/۰۰۱	۸/۴۸	۴۶۱	۲/۱۷ ۳/۰۱	۲۳/۲۱ ۲۱/۰۹	مؤنث مذکر	سن مناسب برای زنان
۰/۲۴۸	۱/۱۶	۴۵۴	۱/۹۶ ۲/۴۷	۳/۴۲ ۳/۱۸	مؤنث مذکر	حداقل تفاوت سنی زوجین
۰/۰۱۶	۲/۴۲	۴۴۷	۲/۵۰ ۳/۳۳	۶/۹۶ ۶/۲۸	مؤنث مذکر	حداکثر تفاوت سنی زوجین

همان‌طور که مندرجات جدول ۶ نشان می‌دهد، آزمودنیهای دختر نسبت به آزمودنیهای پسر سن مناسب ازدواج برای زنان را بالاتر ارزیابی کردند ($\bar{X} = 23/21$)، در حالی که از نظر دانشجویان پسر سن مناسب ازدواج زنان کمی پایین‌تر بود ($\bar{X} = 21/09$)، در مجموع پسران دانشجویان در مقایسه با دختران دانشجویان، سن مناسب ازدواج را برای هر دو جنس پایین‌تر می‌دانستند. از نظر آنان سن مناسب ازدواج برای مردان $25/83$ بود، ولی دختران دانشجویان سن مناسب ازدواج برای مردان را $27/17$ ذکر کرده بودند. معناداری تفاوتها با انجام آزمون t تأیید گردید.

با نگاهی به داده‌های جدول ۶ معلوم می‌شود که در مورد حداقل مقدار تفاوت سنی زوجین بین دو گروه آزمودنیهای مؤنث و مذکر تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود. آزمودنیهای

مؤنث به طور متوسط حداقل ۳/۴۲ سال و آزمودنیهای مذکر حداقل ۳/۱۸ سال تفاوت سنی بین زوجین را مناسب می‌دانستند. در مورد حداکثر تفاوت سنی تفاوت معناداری بین نظر آزمودنیهای مؤنث ($\bar{X} = 6/96$) و مذکر ($\bar{X} = 6/28$) مشاهده گردید.

همچنین آزمودنیها در مورد تعداد فرزندان که مایلند داشته باشند، مورد پرسش قرار گرفتند. همان طور که در جدول ۷ مشاهده می‌گردد، اکثر آزمودنیها (۲۷۱ نفر یا ۵۶/۲ درصد) ۲ فرزند را ترجیح می‌دادند؛ ۱۴۷ نفر (۶۲/۸ درصد) از آزمودنیهای مؤنث و ۱۱۹ نفر (۴۹/۵ درصد) از آزمودنیهای مذکر ۲ فرزند را ترجیح می‌دادند. تعداد اندکی از دانشجویان به داشتن بیش از ۴ فرزند تمایل نشان دادند. ۴ نفر (۱/۷ درصد) از آزمودنیهای مؤنث، ۸ نفر (۳/۳ درصد) از آزمودنیهای مذکر و در مجموع ۱۲ نفر (۲/۵ درصد) از کل آزمودنیها اظهار داشتند به داشتن فرزند تمایلی ندارند.

جدول ۷: فراوانی و درصد تعداد فرزندان ترجیح داده شده از نظر دانشجویان

کل آزمودنیها		آزمودنیهای مذکر		آزمودنیهای مؤنث		شاخصهای آماری تعداد فرزندان
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲/۵	۱۲	۳/۳	۸	۱/۷	۴	۰
۱۴/۹	۷۲	۹/۵	۲۳	۲۰/۹	۴۹	۱
۵۶/۲	۲۷۱	۴۹/۵	۱۱۹	۶۲/۸	۱۴۷	۲
۱۱/۶	۵۶	۷/۲	۳۸	۷/۳	۱۷	۳
۷/۵	۳۶	۱۳/۳	۳۲	۱/۷	۴	۴
۰/۶	۳	۰/۸	۲	۰/۴	۱	۵
۰/۶	۳	۱/۲	۳	۰	۰	۶
۰/۴	۲	۰/۴	۱	۰/۴	۱	۷
۰/۴	۲۲	۰/۸	۲	۰	۰	۸

در مجموع، کل نمونه به طور متوسط ۲/۱۶ فرزند (با انحراف معیار ۱/۰۵)، آزمودنیهای مؤنث به طور متوسط ۱/۸۹ فرزند (با انحراف معیار ۰/۷۶) و آزمودنیهای مذکر به طور متوسط ۲/۴۳ فرزند (با انحراف معیار ۱/۲۲) را در نظر داشته‌اند (جدول ۸).

جدول ۸: خلاصه نتایج t برای مقایسه آزمودنیهای مؤنث و مذکر در متغیر تعداد فرزندان ترجیح داده شده

متغیر وابسته	متغیر مستقل (گروهها)	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t	p
تعداد ترجیحی فرزندان	مؤنث	۱/۸۹	۰/۷۷۶	۴۵۰	۵/۶۱	۰/۰۰۱
	مذکر	۲/۴۳	۱/۲۲			

جدول ۸ خلاصه نتایج آزمون t برای مقایسه میانگین تعداد فرزندان ترجیح داده شده از سوی آزمودنیهای مؤنث و مذکر را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌گردد، تفاوت این میانگینها معنادار است ($t=5/61, p<0/001$)، به بیان دیگر، آزمودنیهای مؤنث به داشتن فرزندان کمتر گرایش داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که یافته‌های این پژوهش نشان داد، بین سن دانشجویان با درجه اهمیتی که برای ملاکهای موجود در مقیاس همسرگزینی قایل بودند، رابطه داشت. با بالا رفتن سن، نمره دانشجویان در کل مقیاس ($r=-0/16, P < 0/001$) و عامل ویژگیهای فردی ($r=-0/21, P < 0/001$) کاهش یافت. در حالی که سن با دو عامل دیگر؛ یعنی شباهتها و وضعیت اقتصادی اجتماعی رابطه نشان نداد (جدول ۴). به نظر می‌رسد با بالا رفتن سن حساسیتی که افراد به لحاظ نظری، برای ویژگیهای فردی همسر دارند، کمتر می‌شود. یکی از دلایل تبیینی این یافته می‌تواند این باشد که افراد ممکن است نگران ازدواج نکردن باشند و تصور نمایند که اگر با شخص موجود، هر چند که از نظر

ویژگیهای فردی، مطابق نظرشان نیست ازدواج نکنند، شانس ازدواج کردن را از دست می دهند و در نتیجه حساسیت و دقت آنها در انتخاب همسر کمتر می شود. یکی دیگر از دلایل تبیینی این رابطه منفی، شاید این نکته باشد که با افزایش سن واقع بینی افراد نیز زیاد می شود؛ قطعاً یک فرد سی ساله آرمان گرایی یک جوان بیست ساله را ندارد. بنابراین، وقتی سن فرد بالا می رود، اولاً آرمان گرایی او کمتر می شود و ثانیاً انتظارات و توقعاتش حالت واقعی تری به خود می گیرد و فرد متوجه می شود که نمی توان همسری که به طور کامل و جامع، همه ملاکهای مورد نظرش را داشته باشد پیدا کند، به همین جهت، خواسته های خود را تعدیل می کند.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که ملاکهای مورد نظر زنان و مردان، برای ازدواج، با یکدیگر فرق دارند. این یافته با نتایج به دست آمده از پژوهشهای قبلی (حق دوست و همکاران، ۱۳۷۴؛ مقدس جعفری و همکاران ۱۳۷۷؛ باس، ۱۹۹۰ و برگر، ۱۹۹۷) همخوانی دارد. بنابراین، زن و مرد با توجه به ماهیت ذاتی و طبیعی خود، ملاکها و معیارهای متفاوتی را برای ازدواج در نظر می گیرند.

همان طور که جدول ۶ نشان می دهد، اولاً، میانگین سن مناسب ازدواج برای مردان، از دیدگاه دانشجویان دختر و پسر، بالاتر از میانگین سن مناسب ازدواج برای زنان است و ثانیاً، میانگین سن مناسب برای ازدواج زنان، از دیدگاه دانشجویان دختر، بالاتر از میانگین سن مناسب برای ازدواج زنان، از دیدگاه دانشجویان پسر است؛ یعنی دانشجویان پسر بر این اعتقادند که زنان بهتر است در سن پایین تری ازدواج کنند، حال آنکه دانشجویان دختر چنین اعتقادی ندارند. در خصوص این یافته می توان به این نکته اشاره کرد که ممکن است دانشجویان دختر ازدواج در حین تحصیل در دانشگاه را به عنوان عاملی مزاحم در امر تحصیل بدانند و بیشتر ترجیح دهند که پس از اتمام تحصیل خود ازدواج کنند. بعلاوه، با توجه به شرایط فرهنگی جامعه، ازدواج زنان، آنان را بیشتر از مردان درگیر مسایل خانوادگی و پرورش و تربیت فرزندان می کند، که این امر نیز به نوبه خود می تواند مانع از ادامه تحصیل دانشجویان دختر شود و یا حداقل روند تحصیلی دانشجوی دختر را با مشکل و کندی مواجه سازد، بنابراین، دختران ترجیح می دهند که در سن بالاتری ازدواج کنند. در پایان، همان طور که مدل تکاملی بیان می دارد، مردان به نشانه های جوانی در همسر توجه بیشتری دارند، زیرا جوانی امکان باروری را نشان می دهد.

در خصوص تفاوت دو جنس در مورد تعداد ترجیحی فرزندان، میانگین تعداد فرزندان در دانشجویان پسر، از میانگین تعداد فرزندان در دانشجویان دختر بیشتر است. در تبیین این یافته شاید بتوان به همان دلایلی که در بالا بیان گردید، اشاره کرد. بعلاوه، بررسی به عمل آمده نشان داده است که میزان تحصیلات زنان و اشتغال آنان در کاهش رشد جمعیت نقش بسزایی داشته است. گفته می‌شود که افزایش اشتغال زنان باعث کاهش رشد جمعیت می‌شود؛ یعنی مادرانی که شاغل بوده‌اند، تعداد فرزند کمتری داشته‌اند، ولی مادرانی که بیکار بوده یا کار کمتری داشته‌اند یا شغلهایی داشتند که در خانه کار می‌کرده‌اند، معمولاً دارای تعداد بچه‌های بیشتری بوده‌اند. تحصیلات زنان از عواملی است که در محدود کردن زاد و ولد نقش مهمی می‌تواند داشته باشد. بررسی به عمل آمده نشان می‌دهد که بیکاری و بیسوادی زنان در تشدید رشد جمعیت کشورمان نقش مهمی را ایفا کرده است (بهداشت برای خانواده، ۱۳۷۳). بنابراین زنان با پیش‌بینی تداخل وظایف شغلی و تحصیلی با وظایف مادری نسبت به نمونه مذکر ترجیح می‌دهند تعداد کمتری فرزند داشته باشند. انجام ندادن تحلیل عوامل جداگانه روی داده‌های نمونه دختران و پسران از محدودیتهای این پژوهش است.

نتایج حاصل از این پژوهش در واقع ملاکهای همسرگزینی را از نظر دانشجویان نشان می‌دهد که احتمال دارد آرمان‌گرایی در آن دخالت کرده باشد، در حالی که ممکن است افراد در هنگام انتخاب همسر با توجه به محدودیتهای اجتماعی، فرهنگی و حتی شخصی عملاً از ملاکهای دیگری پیروی نمایند. بنابراین، می‌توان در یک پژوهش از دانشجویان متأهل خواست که ملاکهای خود را در هنگام انتخاب همسرشان گزارش نمایند و نتایج حاصل را با نتایج پژوهش حاضر مقایسه نمود.

کار دیگری که می‌توان انجام داد، بررسی تأثیر ملاکهای به دست آمده بر رضایت از همسر و زندگی زناشویی است و این از طریق درخواست از افراد متأهل برای درجه‌بندی این ملاکها از نظر تأمین رضایت از زندگی زناشویی، امکان‌پذیر است.

منابع

- حق دوست، علی اکبر؛ رواز، کوروش؛ کاملی، جعفر و لطیفی، نوراحمد. (۱۳۷۴). بررسی دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی پیرامون عوامل مؤثر در ازدواج. **فصلنامه اندیشه و رفتار**. سال دوم، شماره ۳. صص ۲۹-۲۰.
- فرگاس، جوزف، پی. (سال انتشار نامشخص). **روانشناسی تعامل اجتماعی**. ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، ۱۳۷۳. تهران: انتشارات ابجد.
- فیاض زاده، ریحانه. (۱۳۷۴). **بررسی فاکتورهای ازدواج از دید جوانان در شرف ازدواج، دانشجویان دختر و پسر رشته‌های مهندسی، اقتصاد، بازرگانی، مشاوره، مکانیک و برق، (دانشگاه اصفهان)**. نشر دانشگاه اصفهان.
- مقدس جعفری، محمدحسن؛ مجیدی، محمدحسین. (۱۳۷۷). بررسی نگرش و مشکلات دانشجویان در مورد ازدواج. **فصلنامه فرهنگ و ادب**، شماره ۱۰-۱۱.
- مهرابی زاده هنرمند، مهناز (۱۳۷۵). بررسی رابطه هماهنگی بین مؤلفه‌های خودپنداشت و افسردگی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. **مجله علوم تربیتی و روانشناسی**، دوره سوم، سال سوم، شماره‌های اول و دوم.
- Baize, H. R. , & Schroeder, J. E. (1995). Personality and mate selection in personal ads: Evolutionary preferences in a public mate selection process. *Journal of Social Behavior and Personality*, 10 (3), 517-536.
- Burger, J. M. (1997). *Personality*. (4thed), California: Brooks/Cole Publishing Company.
- Buss, D. M. (1990). International preferences in selecting mates: A study of 37 cultures. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 21 (1), 5-47.
- Buss, D. M. (1994). The strategies of human mating. *American Scientist*, 82, 238-249.

- Buss, D. M., & Barnes, M. F. (1986). Preferences in human mate selection. *Journal of Personality and Social Psychology*, 50, 559-570.
- Buunk, B., Dijkstra, P., Kenrick, D. T. & Warntijes, A. (2001). Age preferences for mate as related to gender, own age, and involvement level. *Evolution and Human Behavior*, 22 (4), 241-250.
- Byrne, D. (1971). *The attraction paradigm*. New York: Academic Press.
- Dubis-Stadelmann, E. , Fenton, B.T., Ferrero, F., & Preisig, M. (2001). Spouse similarity for temperament, personality and psychiatric symptomatology. *Personality and Individual Differences*, 30 (7), 1095-1112.
- Feingold, A. (1992). Gender differences in mate selection preferences: A test of the parental investment model. *Psychological Bulletin*, 112 (1), 125-139.
- Gilcksohn, J. & Golan, H. (2001). Personality, cognitive style and assortive mating. *Personality and Individual Differences*, 30 (7), 1199-1209.
- Gough, H. G., & Heilburn, A. B. (1983). *The Adjective Check List Manual*: Palo Alto, California, Consulting Psychology Press.
- Heider, F. (1958). *The psychology of interpersonal relations*. New York: Wiley
- Kelley, H. H. (1979). *Personal relationships: Their structures and Processes*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Kenric, D. T. , Keefe, R. C., Bryan, A., & Barr, A., (1995). Age preferences and mate choice among homosexuals and heterosexuals: A case for modular psychological mechanisms. *Journal of Personality and Social psychology* , 69 (6), 1166-1172.
- Lykken, D. T., & Tellegen, A. (1993). Is human mating adventitious or the result of lawful choice? A twin study of mate selection. *Journal of Personality and Social Psychology*, 65 (1), 56-68.

- Melamed, T. (1994). Partner's similarity over time: The moderating effect of relationship status. *Personality and Individual Differences*, 16 (4), 641-644.
- Moghaddam, F. M. (1998). *Social psychology exploring universals across cultures*. New York: Freeman and Company.
- Wiederman, M. W. (1993). Evolved gender differences in mate preferences: Evidence from personal advertisements. *Ethology and Sociobiology*, 14 (5), 331-351.
- Winch, R. F. (1958). *Mate selection: A study of complementary needs*. New York: Harper Bross.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی